

۲۴ و ۲۶ مهر ماه ۸۵ . کارگر چه صیغه ای است !؟

این همه گفتند و نوشتند از طبقه ، طبقه کارگر . این کارگر دیگر چه صیغه ای است؟ مگر در کردستان طبقه کارگری وجود دارد؟ مگر ایران دارای صنایع و تکنولوژی همانند کشورهای اروپایی و امریکایی است که هی دم از طبقه کارگر میزنید؟ مگر شما نمی بینید که امریکاچه قدرتی دارد؟ مگر شما سرنوشت شوروی را ندیدید؟ شوروی با آن همه دک و پوزش چه شد؟ بلوک شرق سرانجامش را ندیدی؟ مگر کارگر میتونه حاکمیت کنه؟ مشتی آدم گدا گشنه و بی سواد . حکومت کردن ، آدم باسواد و دانشگاه رفته و پریستیژدار می خواهد. تازه اگر در شهر های دیگر ایران کارگری وجود داشته باشد چه ربطی به کردستان دارد؟ مگر شما ناسیونالیسم کرد را نمی بینید؟ مگر نمی دانید که مردم ایران مذهبی هستند؟ این همه حرف محمود صالحی و جلال حسینی یعنی چه؟ محسن حکیمی دیگر کیه؟ مشتی آدم نشسته اند و دارند از طبقه کارگر حرف می زنند . اینها همه اش ذهنیت است. اینها دون کیشوت وار هی حرف از طبقه ای می زنند که اصلاً" وجود خارجی ندارد. این عینیت کجاست؟ مگر در کردستان کارگری هست تا از فعال کارگری دفاعی بشه؟! مگر کار مزدی در کردستان وجود دارد؟ مگر شما استثماری در کردستان مشاهده می کنید؟ مگر شما در کردستان ارتش ذخیره کار دارید؟ مگر شما کارگر پنهان ، کارگر ساختمانی، دست فروش، شاگرد مکانیک، خیاط و خباز و بی مسکن دارید؟ مگر در کردستان اعتیاد و فساد وجود دارد؟ مگر فاصله طبقاتی ایی مشهوده؟ مگر سرمایه داری، در اینجا هست که کسی برایش کار کنه؟ مگر تبعیض، نابرابری جنسی و حقوقی و اجتماعی وجود دارد؟ مگر اینجا کارمند ، معلم و پرستار و کارگران شرکت های خدماتی مزد بگیر هستند؟ مگر در کردستان اعتصاب ۵۷ روزه نساجی کردستان واقعیت داشت؟ مگر یورش وحشیانه پلیس به کارگران و خانواده های آنان در شرکت پرریس واقعیت داشت؟ مگر اول مه ۲۰۰۶ در سنندج و سقز و در گرامیداشت روز جهانی کارگر در کردستان برگزار شد؟ مگر کارگران کارخانه شاهو اخراج شدند؟ مگر کارگران شین بافت و پیروز باف به خاطر حمایت از اعتصاب پرریس مورد بازجویی و تهدید به اخراج قرار گرفتند؟ مگر در شرکت آلومین کسی اخراج میشود؟ مگر در کاشی کسری و کارخانه شیر و ... کارگری وجود دارد؟ مگر مناسبات پروکراتیک و دیوانسالاری خاص نظام سرمایه داری وجود دارد؟ مگر کسی را می بینی محتاج نان باشه؟ مگر کارگران سد گاوشان، نیروگاه برق سنندج، سد گاران مریوان کارگری دارد تا کار مزدی انجام بده و اعتصاب کنه؟ مگر کسی از مطالبات کارگری حرفی بزند اخراجش می کنند؟ مسلماً" نه !!! چون کارگر و سرمایه داری نیست تا کسی را به بهانه کارگری اخراج و دادگاهی کنند. مگر رستمیانی در اداره کاری وجود دارد که از منافع کار فرما دفاع کنه؟ اینها همه اش خیاله ، دماکوژیسم-عوام فریبی- مطلقه ! کارگر کجا بود طبقه کیلویی چنده؟ این حرف ها همه اش باد هواست. دادگاهی فعالین کارگری در ۲۴ و ۲۶ مهر ۸۵ یک توهم و خیال واهی است. مگر تفتیش عقاید وجود دارد؟ برو بابا کشکت را بساب. زندگی به این خوبی و

قشنگی، سرت را بنداز پایین، خدا را شکر کن که تنت سالمه! لقمه نانی هست که از گشنگی نمیری!

کلاه تو بگیر که باد نبره، به فکر زن و بچه ات باش. به تو چه کارگری وجود داره یا نه، کسی گرسنه است یا نه، کسی تحقیر میشه، کسی زندانی میشه! اصلاً" به تو چه نظام سرمایه داری عامل توحش و نا برابری و بی حقوقی است! مگر ندیدی که آمریکا تو منطقه است! اون خودش ناجی بشریت است! مگر ندید به افغانستان سر و سامان داد! مردم عراق را از دست صدام دیکتاتور نجات داد! نه جنگی نه کشتاری و نه تروری! کردستان آزاد عراق را ببین! مگر در اونجا کارگران کارخانه سیمان تاسلوجه را به گلوله بستند؟ همه شون خوشبخته خوشبخت، آزاد و رها هستند!!! مگر تو قدرت امریکا را نمی بینی که دنیا را زیر سلطه خودش داره؟ پس دیگر اینقدر از طبقه حرف نزن. مام بوش خودش همه چیز را حل می کنه. این همه سرو صدا که محمود و دوستانش محاکمه می شن برای چیه؟ مگر ما مشکل طبقاتی داریم؟ آنچه که گذشت یاوه گویی های مدافعان رنگارنگ نظام سرمایه داری است که به نوعی در استمرار جنگ، نا برابری، تبعیض، استثمار، سرکوب، زندان و شکنجه همسو با نظام سرمایه داری گام بر میدارند.

پراستی باید چه کار کرد؟

کارگران، زحمتکشان و مردم آگاه

بار دیگر فعالین کارگری ایران به خاطر دفاع از حقانیت و مطالبات کارگری به دادگاه احضار شده اند. کسانی که به خاطر مبارزه با استثمار و بی حقوقی و شرایط سخت معیشتی از جان و زندگی گذشته تا تریبون و فریادی باشند از طرف هم طبقه ای هایشان برای رهایی از فقر و فلاکت، استثمار و توحش سرمایه. کسانی که خواستار یک زندگی امن و شایسته برای جامعه بشریت هستند، کسانی که اعتقاد دارند طبقه کارگر با دستان توانمند خود می تواند بشریت را از یوغ بردگی و کار مزدی نجات دهد. محمود صالحی و جلال حسینی از فعالین و رهبران کارگری کردستان تنها به خاطر دفاع از طبقه کارگر، به خاطر اعتقاد به کارگران و زحمتکشان، به خاطر ایستادگی در مقابل هجوم افسار گسیخته سرمایه داران در ۲۴ و ۲۶ مهر ماه محاکمه می شوند و محسن حکیمی نیز ۱۰ آبان ماه محاکمه خواهد شد. پس شایسته است ضمن محکوم کردن محاکمه آنان، خواستار آن شویم که آزادی تشکل، اجتماع، بیان، انتخاب، قلم و... تضمین شود. من هم به عنوان یک کارگر دادگاهی فعالین کارگری را محکوم کرده و خواستار لغو احضار و محاکمه همه فعالین کارگری هستم.

بهزاد سهرابی

۱۳۸۵/۷/۲۳